

جدایی از همسر و این همه دردسرها!

پدیده شوم و سیاه طلاق که متأسفانه امروزه سایه سنگین خود را، بر سر بسیاری از خانواده ها و به خصوص جوانان گسترده است، همواره با آسیب های زیادی همراه بوده است که از ابعاد مختلف فردی، خانوادگی و اجتماعی قابل بررسی است.



سلامت نیوز : پدیده شوم و سیاه طلاق که متأسفانه امروزه سایه سنگین خود را، بر سر بسیاری از خانواده ها و به خصوص جوانان گسترده است، همواره با آسیب های زیادی همراه بوده است که از ابعاد مختلف فردی، خانوادگی و اجتماعی قابل بررسی است. آن چه باعث تاسف است این که گاه طلاق بر اساس دلایلی ساده و بی ارزش به وقوع می پیوندد.

به گزارش سلامت نیوز به نقل از خراسان ؛ این امر جدا از این که فشارهای زیادی را به افراد، خانواده ها و اجتماع وارد می کند، از ناآگاهی و بی توجهی زیاد افراد نسبت به این موضوع و پیامدهای نامبارک آن حکایت دارد. در این میان همواره آسیب های طلاق دامن زنان را بیش از مردان می گیرد. به راستی زنان پس از تجربه طلاق با چه مسائلی گریبانگیرند؟ برای آن که اطلاعات و آگاهی بیشتری از آسیب های این واقعه تلخ به دست آوریم به سراغ یکی از روان شناسان و مشاوران خانواده رفتیم و نظر او را در این باره جویا شدیم.

ترس از آینده

دکتر علی بنی اسدی، روانشناس بالینی، استاد دانشگاه و مشاور خانواده در یک تقسیم بندی کلی آسیب های طلاق را به دو بعد فردی و خانوادگی تقسیم کرد و درباره آسیب های فردی گفت: اولین مسئله، ترس از آینده است. تصمیم به پایان دادن به یک زندگی مشترک، کار ساده و بی اهمیتی نیست، این تصمیم با احساس تأسف و سرزنش خود همراه است. ترس از تنهایی پس از طلاق، احساسی است که زنان بیش از مردان ابراز می کنند. این ترس بیشتر ناشی از این نگرانی است که آیا شریک زندگی دیگری خواهند داشت؟ ترس از این که نتوانند بدون یک مرد زندگی کنند و فرزندان خویش را به تنهایی اداره کنند و شغلی بیابند و از نظر مالی خود و فرزندانشان را اداره کنند. این ترس ها ناشی از نگاه واقع بینانه در زندگی فردی و اجتماعی است.

احساس گناه

این استاد دانشگاه دومین آسیب فردی را احساس گناه دانست و افزود: گاهی زنان مطلقه با احساس گناه زیادی درباره متلاشی شدن خانواده دست به گریبان هستند. به اعتقاد برخی از صاحب نظران مهم ترین احساسی که پس از طلاق در پدر و مادری که متارکه کرده اند پدید می آید ، احساس گناه و خیانت نسبت به خوشبختی فرزندان است. به علاوه بیم از آینده ای مبهم برای خود و فرزندان، واکنش های گوناگونی را در آنان پدید می آورد و این وضعیت، احساس گناه را شدت می بخشد.

مشکلات روحی و جسمی

روان شناس بالینی از مشکلات روحی و جسمی، به عنوان سومین آسیب فردی طلاق یاد کرد و گفت: نبود همسر و تنهایی پس از طلاق موجب می شود که بیشتر زنان پس از جدایی به ناراحتی های روحی و جسمی دچار شوند و همچنان نیازهای عاطفی خود را در شوهر سابق خود جست و جو کنند. کمبود معاشرت و تفریح ها به علت مسائل شهرنشینی در کلانشهرها، بر مشکلات عاطفی زن می افزاید. البته مشکلات روحی پس از طلاق به مراتب بیش از صدمات جسمانی آن است. زن مطلقه به علت نداشتن استقلال اجتماعی از پایگاه اجتماعی معینی برخوردار نیست و به خانواده پدر یا برادر وابسته است.

مشکل دوگانگی نقش

مشاور خانواده در ادامه مشکل دوگانگی نقش را آسیب دیگری دانست که بر اثر طلاق به سراغ زنان می آید: زنان در ارتباط با فرزندان خود با دوگانگی نقش مواجه می شوند و حضور نداشتن پدر، فرزندان را دچار مشکل می کند. زن مطلقه برای فرزندانش هم باید پدر باشد هم مادر و مرد نیز در صورتی که کودک با او زندگی کند، باید هم نقش مادر و هم نقش پدر را بر عهده بگیرد.

مشکلات اقتصادی

وی پنجمین آسیب را مشکلات اقتصادی مطرح کرد و افزود: یکی از مهم ترین مشکلات زنان پس از طلاق مسئله اقتصادی است. این موضوع برای زنان کم سواد و فاقد مهارت به صورت حادثی جلوه می کند. واکنش اعضای خانواده نسبت به طلاق و جدایی مختلف است. در برخی موارد آنان نگرانند که فردی که متارکه کرده، از نظر اقتصادی و مالی به آن ها وابسته شود. طلاق می تواند وضعیت اقتصادی اجتماعی فرد مانند شغل او را نیز تحت تأثیر قرار دهد. از دیگر مسائل و مشکلات زنان مطلقه، تهیه مسکن و مکانی برای زندگی است.

انزوای اجتماعی

دایره آسیب های فردی طلاق برای زنان بسیار گسترده است، بنی اسدی به انزوا و اختلال در هویت اجتماعی به عنوان آسیب دیگری پرداخت و گفت: طلاق شرایطی ایجاد می کند که به کاهش نفوذ اجتماعی و حتی تضعیف برخی موقعیت ها و فرصت های اجتماعی فرد منجر می شود. در برخی مواقع رفتار جامعه با زنان مطلقه به گونه ای است که آن ها احساس می کنند دیگر جایی در جامعه ندارند. فرد مطلقه نه در مقام یک مجرد است و نه در مقام یک متأهل. جامعه ما تعریف و جایگاه مناسبی را برای وی در نظر نمی گیرد و نگرش منفی نسبت به فرد مطلقه وجود دارد.

زنان مطلقه از گزند طعنه ها و نگاه های کنجکاوانه دوستان، اطرافیان و آشنایان در امان نیستند، به طور مثال بعضی معتقدند که حضور زن مطلقه در اتاق عقد دیگران خوش یمن نیست!

کاهش فرصت های ازدواج

مشاور خانواده کاهش فرصت های ازدواج برای زنان مطلقه را هم به فهرست این آسیب ها اضافه کرد و در توضیح آن گفت: زنان مطلقه معمولاً نسبت به مردانی که متارکه کرده اند، کمتر ازدواج مجدد می کنند. از جمله علل اجتماعی این وضعیت، وجود فرزندان، سن زن و تمایل نداشتن مردان برای ازدواج با زن مطلقه است.

در فرهنگ ایرانی زنان مطلقه برای ازدواج، از اعتبار کمتری برخوردارند و مردی که ازدواج نکرده است کمتر به سراغ آن ها می رود و در اغلب موارد مردانی که زنان خود را از دست داده یا همسر خود را طلاق داده اند، به خواستگاری آن ها می روند، در این شرایط زن مطلقه دیگر نمی تواند آزادانه حق انتخاب داشته باشد و سطح توقعات او از طرف مقابل، بسیار تنزل می کند و بسیاری از شرایط ناگوار را به اجبار پذیرا می شود؛ زیرا در غیر این صورت برای همیشه تنها خواهد ماند.

کاهش رضایت از زندگی

وی آخرین آسیب فردی را کاهش رضایت از زندگی در زنان مطلقه دانست. به گفته وی پژوهشگران اثر متغیرهایی چون وضع ازدواج و سن را بر رضایت از زندگی مطالعه کرده اند. یکی از قوی ترین همبستگی های آماری، میان رضایت از زندگی و وضع ازدواج بوده است و افراد مطلقه، کمترین میزان رضایت را ابراز کرده اند.